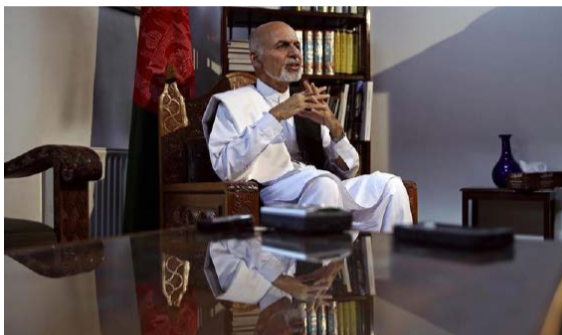


اشرف غنی احمدزی:

توافق اخیر، افغانستان را از لبه

پرتگاه نجات داد



اشرف غنی احمدزی، یکی از نامزدهای پست ریاست جمهوری افغانستان در اولین مصاحبه خود از زمان میانجی‌گری امریکا در بررسی کامل آرای انتخاباتی گفت، این توافق، اساسی برای تشکیل یک دولت متحد ملی است.

اشرف غنی احمدزی که روز سه شنبه داکتر با عبدالله عبدالله، رقیب انتخاباتی خود دیداری رو در رو داشت در مصاحبه با خبرگزاری اسوشیتد پرس گفت: هر دوی ما متعهد شده‌ایم تا کشور جنگ زده خودمان را به صورت جامع با همکاری و کمک شرکای بین‌المللی رهبری و هدایت کنیم.

اشرف غنی احمدزی، ضمن تایید توافق حاصله درباره بازرسی کامل آرای انتخاباتی با میانجی‌گری...  
ادامه صفحه ۷

احمد ولی مسعود:

## بحران کنونی را ساختار حقوقی نظام ایجاد کرده است

صفحه ۶



انفجار خونین و بی‌پیشینه در پکتیکا

## ۹۰ کشته و ده‌ها زخمی برجا گذاشت



گفت که تلفات این انفجار به ۸۹ تن افزایش یافته است. او افزود که ۴۲ تن دیگر زخمی شده و دست کم ۲۰ دکان تخریب شده‌اند. هنوز هیچ گروهی مسئولیت...

ادامه صفحه ۷

وقوع یک انفجار در یک بازار مزدحم در ولایت پکتیکا نزدیک به ۹۰ کشته و ده‌ها زخمی برجا گذاشت. مقام‌ها گفتند که یک فرد انتحاری موتر بمبگذاری شده را زمانی که از سوی پولیس شناسایی گردید، انفجار داد.

نثار احمد عبدالرحیم‌زی، معاون فرمانده پولیس ولایت پکتیکا گفت که یک «موتر بمب» در بازار ولسوالی ارگون زمانی که از سوی پولیس شناسایی گردید، از جانب فرد انتحاری انفجار داده شد.

لحظاتی بعد از وقوع این انفجار، مسوولان محلی گفتند که در این رویداد ۴۱ تن شهید شده و ۳۰ تن دیگر زخمی شده‌اند.

اما بعداً جنرال ظاهر عظیمی، سخنگوی وزارت دفاع

حامد کرزی:

مخالف نظام پارلمانی هستم



رییس‌جمهور کرزی می‌گوید که افغانستان هنوز آماده پذیرش نظام پارلمانی نیست.

آقای کرزی می‌گوید که افغانستان برای ایجاد نظام پارلمانی آماده کامل نیست و حضور خارجی‌ها در پروسه تفتیش آرا، خواست داکتر عبدالله عبدالله بوده است.

رییس‌جمهور کرزی در گفت‌وگو با تلویزیون آشنای صدای امریکا همچنان گفته که...  
ادامه صفحه ۷

طرح قانون حقوق و مصونیت اعضای شورای ملی

در مجلس سنا رد شد



طرح قانون حقوق و مصونیت اعضای شورای ملی که دیروز به مجلس سنا رسیده بود؛ بدون هیچ بحثی با اکثریت آرا رد شد.

روز یکشنبه هفته روان مجلس نمایندگان در اوج بحران انتخاباتی و سیاسی در کشور، قانون مصونیت و حقوق اعضای شورای ملی را با اکثریت آرا تصویب کرد.

بر بنیاد این قانون، برای اعضای شورای ملی حقوق مناسب، مسکن آبرومندانه، دو محافظ و پاسپورت سیاسی برای خود و پاسپورت خدمت برای خانواده‌هایشان در نظر گرفته بودند.

این امتیازها در دوره خدمت و پس از آن نیز برای اعضای شورای ملی و خانواده‌هایشان میسر خواهد بود.

شاید این تنها قانونی بوده که بدون مخالفت و بسیار به سادگی از سوی مجلس نمایندگان تصویب شد.

در همین حال، تصویب این طرح از سوی مجلس نمایندگان با واکنش‌های تند مردم و نهادهای مدنی روبرو شد. فعالان جامعه مدنی از مجلس سنا و رییس‌جمهور کرزی

در برگ ها



آیا سناریوی بُن تکرار خواهد شد؟



نسبی‌گرایان فرهنگی و حقوق بشر آسیایی



مردانه‌گی و عشق در «خواب بزرگ» و «خداحافظ زیبای من» ریموند چندلر



مردم همچنان خواهان شفافیت بیشتر!



فوزیه کوفی

# آیا سناریوی بن تکرار خواهد شد؟



## سخن ماندگار

### حکومت وحدت ملی و پیش شرط‌های آن

مذاکرات روز گذشته تیم‌های رقیب، حکایت از آن دارد که هر دو تیم بر سر کم‌وکیف صلاحیت‌های پست رییس اجرایی حکومت آینده چانه‌زنی کرده‌اند؛ پستی که پس از بن‌بست انتخاباتی، ظاهراً شکل گرفته و نامزد بازنده به آن دست خواهد یافت.

هر چند بازشماری آرا تا کنون رسماً آغاز نشده، ولی گمانه بر آن است که این بازشماری یک امر جدی به حساب نمی‌آید؛ چون توافقات صورت گرفته بیشتر سیاسی بوده و هر دو طرف با هم کنار آمده‌اند. این کنار آمدن و سازش نامزدان با یکدیگر اگرچه توانسته بن‌بست در انتخابات را بشکند، اما به نوعی عدول از دموکراسی را در خود نهفته دارد.

اکنون پرسش آن است که دولت وحدت ملی با چه پیش شرطی به میان خواهد آمد؟ گزارش‌های غیر رسمی حکایت از آن دارد که نظام کنونی به نظام پارلمانی تغییر می‌کند و این تغییر می‌تواند ریاست اجرایی حکومت آینده را پس از تغییر قانون اساسی، به پست نخست وزیر تبدیل کند. آن‌گاه، جایگاه حقوقی چنین پستی دریافت می‌شود.

حالا اگر قرار بر این باشد که حکومت وحدت ملی بر پایه نظام پارلمانی شکل گیرد، مشکلی نیست. زیرا در سیزده سال گذشته، استقرار نظام ریاستی به خوبی ثابت کرد که زیر چتر این نظام هیچ وحدتی شکل نمی‌گیرد. تمرکز قدرت در دست یک فرد، یا حکومت را به شرکتی سهامی بدل می‌کند و یا هم به یک دکّه تیکه‌داری. وحدت زیر چتر این نظام، فقط یک خیال باطل است و مردم هیچ سهمی از آن نمی‌برند.

اما اگر پیش شرط حکومت وحدت ملی یک قرارداد سیاسی باشد و بر بنیاد یک معامله و بدون بازشماری درست آرا صورت گیرد، بی‌گمان که عواقب خطرناکی به دنبال خواهد داشت. در آن صورت وعده تغییر نظام، خود می‌تواند یک فریب باشد که ممکن هیچ‌گاه عملی نشود. هم‌چنان بازشماری آرا نیز می‌تواند یک امر فرمالیته باشد که تنها به خاطر رضایت مردم عملی می‌گردد و در پشت پرده، آرای تقلبی هم‌چنان شمرده می‌شود. در چنین حالی، مشروعیت حکومتی - حتا اگر حکومت وحدت ملی باشد - به شدت زیر سوال است و نیز دموکراسی و انتخابات مخدوش شده است.

بنابراین، الزامی است که راه‌های مشروعیت‌دهی حکومت آینده سنجیده شود. این مشروعیت تنها با بازشماری آرا به دست می‌آید که تا کنون در آغاز پروسه‌اش تعلق به خرج می‌دهند. حتا هنوز در محراق توجه قرار ندارد، چون تمامی ذهنیت‌ها مجاب شده که معامله پشت پرده همه چیز را مشخص ساخته است؛ این که چه کسی رییس جمهور می‌شود و چه کسی رییس اجرایی و یا همان نخست وزیر.

می‌توان گفت که برای رسیدن به حکومت وحدت ملی، کسب مشروعیت و در نظر گرفتن آرای مردم ضروری است. هر چند برای عبور از بحران انتخاباتی، تعاملاتی انجام شده؛ اما این تعامل‌ها به تنهایی نمی‌تواند حکومت وحدت ملی را شکل بدهد. پیش شرط اصلی این حکومت، همانا پاک‌سازی آرای شفاف از ناشفاف است. آرای شفاف مردم است که جایگاه حقوقی پست رییس اجرایی حکومت آینده را تعیین می‌کند، زمینه تغییر قانون اساسی را فراهم می‌آورد و در نهایت، مشروعیت حکومت آینده را تیک می‌زند. قبل از شفاف‌سازی آرا، هرگونه چانه‌زنی بر سر صلاحیت‌های رییس جمهور آینده و یا رییس اجرایی و یا تغییر قانون اساسی و... همه پیش از وقت و نادرست است که در آینده ما را با بن‌بست جدیدی روبه‌رو خواهد ساخت.

شد که هر دو را در یک کنفرانس خبری ظاهر سازد و حل بن‌بست انتخاباتی را نوید دهد. این راه‌حل، «بازشماری فنی و تخنیکی آرا و سپس تشکیل دولت وحدت ملی» عنوان شد. بر بنیاد این توافق، راه‌حل تخنیکی شامل تفتیش بیشتر از ۸ میلیون رأی استعمال شده است که این تفتیش زیر نظر متخصصان بین‌المللی صورت خواهد گرفت و تمامی اوراق رأی‌دهی دوباره شمارش می‌شود. و پس از پایان تفتیش، هر کس مقام ریاست‌جمهوری را به دست آورد، بلافاصله دولت وحدت ملی را ایجاد خواهد کرد.

هر چند وزیر خارجه آمریکا به این بن‌بست و بحران انتخاباتی نقطه پایان گذاشت و هم‌چنان خوش‌بینی‌هایی به وجود آمد؛ ولی این آغاز یک پایان است. این توافق ابهام‌آمیز شباهت‌های زیادی به کنفرانس بن سال ۲۰۰۱ دارد که در آن روزگار همه جریان‌های سیاسی داخلی، با خوش‌بینی آقای کرزی را بر مسند ریاست‌جمهوری نشانده‌اند. همه‌گان وی را تا ارگ ریاست‌جمهوری استقبال نمودند. به یاد دارم که مارشال مرحوم از ایشان پرسید که نیروهای شما کجاست. آقای کرزی پاسخ داد که همه شما نیروهای من هستید. اما مرور زمان نشان داد که حامد کرزی همه آن‌هایی را که وی را به قدرت رسانده و حمایتش کردند، مثل دانه‌های شطرنج از روی تخته سیاست حذف کرد. حال باید گفت که مبادا توافق سیاسی و تخنیکی برای پایان بن‌بست انتخاباتی افغانستان، یک اشتباه سیاسی دیگر باشد!

باز شد و چهره‌ها عریان گشت. نشر و پخش ویدیوها در رسانه‌ها روایت‌گر هزار حقایق تلخی بود که مردم تصورش را داشتند، اما در نهایت آه سحرخیزان در ماه مبارک رمضان به فلک رسید. آنانی که در بست تقلب را انکار می‌کردند، خود معترف شدند که تقلب گسترده صورت گرفته است. و این رخداد جرقه‌یی بود که مردم را برای احقاق حقوق مدنی خویش به خیابان‌ها کشاند. همه‌گان در پی تحقق و تأمین عدالت شدند و نیروهایی دیگراندیش و مقاومت‌گر علیه تقلب با هم بسیج گشتند، برای یک تحول عظیم و چرخش سیاسی و اجتماعی، بدون هیچ مرز و تفاوت قومی و قبیله‌یی. از هر قوم و قبیله‌یی در خیمه لویه جرگه با حماسه‌آفرینی و همایش پُرشور و قدرت‌مند دور هم حلقه زدند. همه یک‌صدا در برابر تقلب سازمان‌یافته و کودتا علیه آرای مردم، از خود مقاومت و پایداری نشان دادند و حتا از داکتر عبدالله عبدالله به تکرار خواستند که حکومت مردمی را به رهبری خود اعلام کند. ولی نخبه‌گان سیاسی، نماینده‌گان مجلس و آگاهان امور، اعلام حکومت را به‌خیر و صلاح کشور ندیدند و همه در فکر یک راه‌حل شدند.

سرانجام این بن‌بست و بحران ناشی از تقلب گسترده، پای وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا را به افغانستان کشاند. او نیمه‌های شب به کابل آمد تا گره کور انتخابات را باز کند و برای بن‌بست پیش‌آمده، راه حل بجوید. آقای جان کری بعد از دو روز مذاکرات نفس‌گیر با عبدالله عبدالله و اشرف‌غنی احمدزی، نامزدهای دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری، موفق



وقتی به گذشته‌های سیاه تاریخ سرزمین خویش نگاه می‌کنم، هزار تصویر تو در تو و مملو از جنایت، خدعه و فریب، کشتن و بستن، صفحات تاریخ ما را آن‌چنان سیاه کرده است که دیگر هرگز نمی‌توان در آینه آن حقایق امروز و دیروز را دید. بحران امروز نیز ریشه در گذشته‌های تلخ و دوری دارد که هم‌چنان امروز و فردای ما را در گرو خود گرفته است. اما خوش‌بختانه اکنون شهروند امروز به کمال خودآگاهی رسیده است. دیگر دشوار است که دلال قدرت در مندوی سیاست، انسان امروز را به‌سان انسان دیروز معامله کند. حال همه، حقیقت تلخ روزگار گذشته سیاه خود را به چشم عبرت‌بین مطالعه کرده و از آن پندها آموخته‌اند.

شهروندان کشور با حضور گسترده در انتخابات ۹۳ تصمیم گرفتند که یک نظام مردم‌سالار و عام‌پسند را در کشور نهادینه سازند. اما با تأسف که دستان تزویر در خفای شب آرای مردم را مورد دست‌برد قرار داد و صندوق‌ها بر خود لرزیدند. اما دیری نگذشت، نقاب‌ها برافتاد و مشت‌ها



## موافقت اولیه حماس با طرح آتش بس مصر



جنبش حماس موافقت اولیه خود را با طرح مصر برای آتش بس میان رژیم صهیونیستی و گروه‌های فلسطینی در نوار غزه اعلام کرد. شبکه خبری اسکای نیوز عربی تاکید کرد که جنبش حماس موافقت اولیه خود را با طرح ارائه شده از سوی وزارت خارجه مصر برای برقراری آتش بس میان رژیم صهیونیستی و گروه‌های مقاومت در نوار غزه اعلام کرد.

پیشتر نیز کابینه امنیتی رژیم صهیونیستی در نشست که روز سه‌شنبه برگزار کرد، موافقت خود را با طرح مصر برای برقراری آتش بس میان این رژیم و گروه‌های فلسطینی در نوار غزه اعلام کرد. جان کری، وزیر خارجه امریکا نیز با استقبال از موافقت کابینه رژیم صهیونیستی با این طرح مصر، حماس را به پذیرش این طرح ترغیب کرد.

در این طرح وزارت خارجه مصر آمده است که ساعت ۶ روز ۱۵ جولای برای آغاز اجرای تفاهم‌های آتش بس میان دو طرف تعیین شده است تا ظرف ۱۲ ساعت از اعلام این طرح مصر و پذیرش طرفین، آتش بس اجرا شود.

وزارت خارجه مصر اعلام کرد، قاهره ظرف ۴۸ ساعت از آغاز اجرای این طرح با هیات‌های عالی‌رتبه از رژیم صهیونیستی و گروه‌های فلسطینی دیدار خواهد کرد تا در خصوص تثبیت این آتش بس بحث و گفتگو کند.

قاهره از رژیم صهیونیستی خواست تا به توقف تمام حملات خصمانه خود چه زمینی و دریایی و هوایی به نوار غزه پایبند باشد و دست به هیچ‌گونه عملیات زمینی به نوار غزه نزند و غیرنظامیان را هدف قرار ندهد.

در این طرح وزارت خارجه مصر آمده است که تمام گروه‌های فلسطینی در نوار غزه نیز باید به توقف تمام اقدامات خصمانه از نوار غزه به سمت اراضی اشغالی چه به صورت هوایی و چه زمینی و دریایی و زیرزمینی پایبند باشند و شلیک موشک‌ها و حملات خود را متوقف ساخته و غیرنظامیان را هدف قرار ندهند.

باراک اوباما، رئیس جمهوری امریکا در مراسم افطار ماه رمضان در کاخ سفید با استقبال از این طرح مصر مدعی شد: اسرائیل حق دارد از خود در مقابل حملاتی که «نابخشودنی است» دفاع کند.

در همین حال اتحادیه عرب نیز از تمامی طرف‌های ذیربط خواست تا از این طرح مصر حمایت کنند.

محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین نیز از این طرح مصر برای برقراری آتش بس استقبال کرد و از تلاش‌های مصر برای «حفاظت از مردم فلسطین» قدردانی کرد.

# غزه، جهان عرب و اسلام

کمال‌الدین حامد

یکی از دوستان حکایت کرد که روی مناسبتی در جامعه اسلامی سعودی اجتماعی برگزار شد و مفتی سعودی سخنرانی نمود، در تمام سخنرانی‌اش یکبار هم از فلسطین و کودکان به خون غلطیده اش یاد نکرد، بلکه در آغاز، میانی و پایان سخنرانی اش به سلامتی پادشاه سعودی دعا کرد و او را مثل شریعت اسلامی در روی زمین قلم داد نمود.

برایم غیرمنتظره نبود، چون قبلاً هم این مفتیان برابر کاتولیک‌های ونزوئلا با فلسطینیان اظهارهمدردی ننموده بودند ولی انگیزه شد برای درنگ کوتاهی بر این مسأله:

یک، غزه قربانی همان دیدگاهی مرتبط با نظام اسلامی می‌شود که نواده پیامبر اکرم و یارانش شدند.

دو، مصارف جنگ علیه کودکان فلسطینی و قتل عام مردم را، شاهان سعودی و خلیج می‌پردازند و مشروعیت حمله اسرائیل را مفتی‌های چاپلوس شان ایجاد می‌کنند.

سه، (الاعراب اشد کفراً و نفاقاً...) سخن پروردگار، امروز یکی از مصادقش را می‌یابد به این معنی که دشمن اصلی اسلام استبداد قبیله‌بی است. این استبداد به سادگی دین را گروگان می‌گیرد و از آن به شکل مفتضحی استفاده می‌کند.

چهار، مفتیان سعودی فقط به سلامتی شاه دعا می‌کنند و حتا تظاهرات علیه تجاوز اسرائیل را بدعت می‌شمارند. بزرگترین پیام تیوریک اسلام توحید و نفی شرک بود که امروز بزرگترین زمینه برای انحراف افکار عامه مسلمانان از نقش بین‌المللی شان، بدست مفتیان مفت خور می‌باشد و اگر اشکی به حال اطفال پارچه پارچه شده فلسطینی میریزانی بدعت نموده و برخلاف توحید عمل کرده‌ی.

پنج، غزه در گسیل نظام‌های قبیله‌بی کشورهای عربی و وحدت امت اسلامی با چارچوب جهانی اش قرار دارد.

روی همین ملحوظ اگر ایران حماس را تجهیز کرده است با توجه به جنگ احمقانه شیعه و سنی، مردود پنداشته می‌شود.

ملت‌های عربی کاری از دست شان بر نمی‌آید، غر و فش گران بی‌خاصیتی چون صدام، قذافی و امثال آنها دیگر در این جهان نیست، سیسی که اسرائیل را نسبت به مصر زیادتر دوست دارد چه رسد به غزه، شاهان عرب مصروف نوشیدن شراب کیله و مفتیان مصروف دعا برای سلامتی شان هستند و پول مصرفی اسرائیل را در تجاوز می‌پردازند و سایر کشورهای اسلامی را رفتار اینها بی‌انگیزه نموده است.

شش، یک مرد از دور چون یک شمع می‌تابد (اردوغان) ولی غرب او را به حدی زیر نظارت دارد که مبادا کاری انجام دهد و این امت بیدار شود.

هفت، امریکا هم برای جهان اسلام الگو تراشی می‌کند الگوی آزادی به سان کشورهای خلیج، الگوی حکومت به سان ترکیه و الگوی اسلام به سان مفتیان درباری عرب را تجویز می‌کند.

حماس که یک حرکت هدف‌دار در جهت باز یابی هویت کل امت اسلامی در گلوگاه شرق میانه است و با این ترندها جور در نمی‌آید.

هشت، جنگ عملی از اطراف اسرائیل به اطراف آن در راستای تأمین مصونیت آن کشانیده شده است. جنگ در سوریه با هیزم مذهبی، در عراق با همین



هیزم و در لبنان و ... جنگ فکری را آخندهای اجیر و مفتیان درباری به نام شیعه و سنی، توحیدی و بدعتی، سلفی و صوفی، بی‌تقلید و تقلیدی و ... در میان مسلمانان راه اندازی نموده اند تا آنجا که قرن‌ها بگذرد مسلمانان از این شر خلاص نخواهند شد.

نه، در پاکستان سنی و شیعه همدیگر را اول تکفیر و بعد تحت نام دفاع از یاران و خانواده پیامبر، به قتل می‌رسانند کاری که پیامبر، خاندان و یارانش از آن بیزارند.

در مصر گروهی تحت نام سلفی در کنار نظام کودتایی و مزدور اسرائیل قرار می‌گیرند تا اخوان المسلمین سقوط کند بدلیل اینکه چرا اخوان المسلمین با مسیحی‌ها روش معقول داشته اند و شیعه‌ها را تکفیر نکرده اند؛ در لبنان مفتیان خلیج فتوا می‌دهند که اسرائیل بهتر است نسبت به حزب الله برای اینکه حزب الله شیعه است و اسرائیل شیعه نست دیگر هر چه باشد فرقی نمی‌کند.

ده، نتیجه اینکه نسبت به هر زمان دیگری غزه تنها است و قربانی می‌دهد.

اما فراموش نکنیم که امت اسلامی این دغل بازی‌ها را در حال شناختن است و در کنار غزه خواهد ایستاد.

## القاعده در شمال آفریقا

### خلافت البغدادی را رد کرد

القاعده در شمال آفریقا طی بیانیه‌ی در شبکه‌های اجتماعی «خلافت» قرون وسطایی اعلام شده توسط داعش را رد و بر همکاری با ایمن الظواهری، رهبر القاعده تاکید کرده است.

به گزارش خبرگزاری رویترز، گروه داعش که خود را «دولت اسلامی» خوانده، ماه پیش اعلام کرد که در حال ایجاد یک «خلافت» در مناطق تحت کنترلش در سوریه و عراق است. این گروه هم‌چنین در رقابت مستقیم با القاعده است و ابوبکر بغدادی، رهبر آنها با انتشار پیامی خواهان در دست گرفتن امور مسلمانان در سراسر جهان شده است.

داعش، شاخه جدیدی از القاعده است با این حال القاعده مالکیت این گروه را انکار می‌کند.

به گزارش یک سازمان امریکایی که اعلامیه‌های گروه‌های تروریستی را بررسی می‌کند اعلامیه جدید القاعده در آفریقا به شاخه القاعده در کشور مغرب نسبت داده می‌شود و گروه البغدادی را برای شکستش در همفکری با رهبران گروه‌های تروریستی افراطگر مورد انتقاد قرار می‌دهد.

شاخه القاعده در کشور مغرب ابتدا در الجزایر فعالیت می‌کرد اما به تدریج دامنه فعالیت خود را تا منطقه ساحل شمال آفریقا گسترش داد. رهبر این گروه در مقابل سایر گروه‌های تروریستی افراطی به رهبر مرکزی خود وفادار مانده است.

## اردوغان اسرائیل را به ارتکاب «تروریسم دولتی» متهم کرد



اردوغان قرار است روز جمعه میزبان محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در ترکیه باشد. روابط میان ترکیه و رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۰ پس از حمله کماندوهای اسرائیلی به کشتی ترکیه‌ای مرمره آبی که برای حمایت از نوار غزه راهی آب‌های بین‌المللی شده بود، تیره شد.

اگرچه طی مدت اخیر بر اثر تلاش‌های آمریکا، صحبت از مساله عادی‌سازی روابط دو طرف مطرح شد، اما اردوغان گفت: تا زمانی که اسرائیل به حملات خود ادامه دهد نمی‌توان چنین چیزی را در نظر گرفت.

وی خاطر نشان کرد: اسرائیل باید بداند که اگر این کشتار ادامه یابد، عادی سازی روابط ما مطرح نخواهد بود.

اردوغان همچنین خطاب به فلسطینی‌ها گفت: شما دیگر تنها نیستید و هرگز تنها نخواهید بود.

نخست وزیر ترکیه روز سه‌شنبه در اظهاراتی نسبت به حملات هوایی وحشیانه رژیم صهیونیستی علیه مردم نوار غزه واکنش نشان داد و این رژیم را به ارتکاب «تروریسم دولتی» علیه فلسطینی‌ها متهم کرد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه اظهار داشت که با وضعیت فعلی بوجود آمده، مساله عادی سازی روابط میان تل آویو و آنکارا دیگر مطرح نیست.

اردوغان در سخنانی خطاب به نمایندگان حزب سیاسی خود در پارلمان ترکیه، رژیم صهیونیستی را به ارتکاب کشتار فلسطینی‌ها متهم کرد و گفت: اسرائیل به تروریسم دولتی در منطقه ادامه می‌دهد. هیچکس به جز ما به اسرائیل نمی‌گوید که دست از کارش بکشد.

اردوغان افزود: جهان تا چه میزان در قبال این تروریسم دولتی ساکت خواهد ماند؟

در حین سخنرانی اردوغان، حامیان وی در حزب عدالت و توسعه شعار می‌دادند: اسرائیل قاتل!

این اظهارات اردوغان پس از آنکه رژیم صهیونیستی طی یک هفته گذشته مرگبارترین خشونت‌ها را علیه نوار غزه انجام داده و ۱۹۲ فلسطینی را به شهادت رسانده است، مطرح شد.

اردوغان همچنین در واکنش به طرح آتش بس ارائه شده از سوی مصر این طرح را «بسیار مثبت» و «ارزشمند» دانست و از آن استقبال کرد.

اردوغان گفت: من امیدوار هستم این آتش بس اجرایی شود.

وی تاکید کرد: اما به نظر می‌رسد خون کودکان بی‌گناه فلسطینی در سیاست‌های کثیف خاورمیانه مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد.

## تاکید هند و چین بر تحکیم روابط سیاسی و تجاری دو جانبه

رئیس‌جمهوری چین و نخست وزیر هند در گفت‌وگویی پیش از نشست سران بریکس در برزیل، بر ضرورت حل مناقشه‌های مرزی چند ده ساله بین دو کشور توافق کردند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، شی جینپینگ و نارندرا مودی همچنین در دیدار ۸۰ دقیقه‌ای خود بر تحکیم روابط سیاسی و تجاری دو کشور تاکید کردند. این اولین دیدار بعد از پیروزی مودی در انتخابات ماه مه است.

دولت هند در بیانیه‌ی اعلام کرد: هر دو طرف باید بر ضرورت یافتن راه حل درباره مسائل مرزی تمرکز کنند. نخست وزیر بر اهمیت تحکیم اعتماد دو طرفه در جهت دستیابی به صلح و آرامش در مرز تاکید کرد.

پس از این دیدار مودی در توثیتی نشست خود با شی جینپینگ را مفید خواند و اعلام کرد که آنها درباره موضوعات مختلف صحبت کردند.





بخش یازدهم

## در مکتب تمدن آفرین رمضان



خواجه بشیر احمد انصاری

### فلسفه اجتماعی روزه

دوست عزیز از افغانستان زنگ زده بود و با صدایی گرفته می گفت که تابلوی «کودک و کرگس» سودانی، امروز در هر گوشه و کنار کشور جلب توجه می کند. او از تفاوت بزرگی حرف می زد که میان سرمایه دار و فقیر در جامعه ما ایجاد شده و می گفت، تمثالی از آن کرگس را به عنوان «مجسمه گرسنگی» در نقاط مختلف شهر در جاهایی که انسان های کرگس صفت و مست لانه نموده اند باید نصب نمود؛ تمثالی که در جامعه خود ما بیشتر و آشکارتر از جوامع خلیجی بازتاب دارد.

مسأله مهمی را که همه ما فراموش نموده ایم و کسی با آن تماس نمی گیرد، تاریخ روزه در اسلام است. من به این باورم که فهم درست از روزه و فلسفه و حکمت و مقاصد آن، بدون دانستن تاریخچه این فریضه در اسلام ممکن نیست. با آن که رمضان به شکل کنونی آن در سال دوم هجری در مدینه فرض گردید، ولی تاریخ حکایت می کند که تربیت یافته گان مکتب نبوت در مکه نیز روزه می گرفتند. کتاب های سیرت نقل نموده اند، زمانی که جعفر فرزند ابوطالب سالها پیش از هجرت به مدینه، به حبشه رفت و خواست پیامبر اسلام را به امپراتور آن کشور «نجاشی» معرفی نماید، گفت:

«او ما را به نماز و زکات و روزه امر می فرماید.»

به هر حال، روزه در دو مرحله فرض گردیده است؛ مرحله نخست در مکه بود و مرحله دومی در سال دوم هجری در مدینه. آنچه در بحث امروزی ما مهم می باشد، روزه دوران مکه است؛ مرحله بی که فلسفه و مقاصد این فریضه و رکن دینی را به وضوح بازتاب می دهد.

کتاب های بخاری و مسلم از سلمه بن الاکوع روایت می نمایند که مسلمانان نخستین در مکه ملزم بودند که یا روزه بگیرند و یا آن که فدیّه بپردازند. مفسرانی چون ابن مسعود و ابن عباس و معاذ بن جبل و مجاهد و طاوس و مقاتل و ابن حیان بر این مسأله اتفاق نظر داشته اند که آیت ۱۸۴ سوره بقره بر همین اصل دلالت داشته است آنجا که می فرماید:

«و برای کسانی که توان آن را دارند ولی روزه نمی گیرند، خوراک یک بی نوا فدیّه لازم است.»

آری! پیامبر اسلام در آن زمان به پیروان خویش امر نمود که یا روزه بگیرند و یا فدیّه بپردازند؛ به این معنی که آن ها تنها دو انتخاب داشتند که هر دوی آن به یک نتیجه می انجامید؛ و آن این که یا درد و رنج گرسنگی و بی نوائیان را عملاً از راه و متود روزه احساس نمایند و یا آن که روزه نگیرند و گرسنگی را عملاً غذا دهند. اما زمانی که مسلمانان به مدینه هجرت نمودند و خدمات و تکافل اجتماعی به دوش دولت قرار گرفت، در آن زمان بود که روزه با احکام معمول امروزی آن فرض گردید.

زمانی که پیامبر اسلام (ص) پرچم شکوه مند نبوت را برافراشت، نخستین کسانی که به ندای او لبیک گفتند غلامان، کنیزان، بی نوائیان، زنان، کودکان، سیاه پوستان و اقلیت های ساکن در مکه بودند. بلال، سمیه، عمار، زید و امثال ایشان برده گان بی نوائی بودند که در صف اول مسلمانان قرار گرفتند.

برای اسلام گلو پاره کردن بدون توجه به بُعد انسانی این آیین که اقتصاد جزو لاینفک آن است، چیزی جز یک قصه مفت نیست که پیام و مرام روزه در این زمینه خیلی روشن می باشد.

توجه به بُعد اقتصادی جامعه، از دغدغه های اصلی انقلاب پیامبر اسلام (ص) به شمار می رفت که رمضان با ابعاد مختلف آن در قلب این منظومه متکامل فکری جا گرفته است.

بخش دوم و پایانی

## نسبی گرایان فرهنگی و حقوق بشر آسیایی

برخی از نسبی گرایان معتقدند که جنبش جهانی نمودن هنجارها، تنوع فرهنگها را از میان می برد و صرفاً در حکم گشودن مسیر دیگری برای یک دست نمودن فرهنگها در جهان مدرن است. افزون بر آن، از دیدگاه نسبی گرایان در اعلامیه جهانی حقوق بشر، به حقوق مدنی و سیاسی بیش از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اهمیت داده شده و حق ملت ها در تعیین سرنوشت شان یک سره نادیده انگاشته شده است.

### حقوق بشر نسبی از دیدگاه آسیایی

در شرق و جنوب شرق آسیا مجادله بی در مورد اولویت حقوق بشر در مقابل حسن اداره امور در دهه های گذشته وجود داشته است و لذا در حالی که بسیاری از دولت های آسیایی و برخی روشن فکران بر اهمیت ثبات اجتماعی و توسعه اقتصادی



تأکید کرده اند، بسیاری از دولت های غربی و روشن فکران بر اولویت حقوق بشر، به ویژه حقوق مدنی و سیاسی تأکید ورزیده اند. این مجادله با مرفه شدن و بیشتر متکی به خود شدن کشورهای شرق آسیا و آسیای جنوب شرقی در دهه ۱۹۹۰ حتا شدیدتر هم شده است. یکی از علل عمده، تأکید این دولت ها بر اهمیت توسعه اقتصادی این است که از انتقاد داخلی یا خارجی در مورد تخلفات حقوق بشر اجتناب کرده و یا آن را مردود می شمارند. از طرف دیگر، نمی توان انکار کرد که بسیاری از این دولت ها در بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و آموزشی کشور خود از دهه ۱۹۶۰ تا دهه ۱۹۹۰ به خوبی موفق بوده اند و به همراه این توسعه، پیشرفت مداومی در برخورداری از حقوق بشر نیز به وجود آمده است. کوریای جنوبی، تایوان، تایلند، مالزی و اندونزی چنین نمونه هایی هستند.

بسیاری از این کشورها وضعیت حقوق مدنی و سیاسی شان را بهبود بخشیده اند. در این میان، فیلیپین و هند نه تنها نتوانسته اند وضعیت اقتصادی شان را بهبود بخشند، بلکه درکل نتوانسته اند وضعیت حقوق بشری شان را نیز بهتر کنند.

از دیدگاه نسبی گرایان آسیایی، احتمال این امر زیاد است که اگر کشوری صرفاً به دنبال نهادهای «مردمسالار» باشد و بر اهمیت حقوق مدنی و سیاسی تأکید کند، بدون داشتن سیاست های اجتماعی و اقتصادی متوازن، به مردم سالاری بر پایه اراده آزاد مردم مستقل دست نمی یابد.

از دیدگاه این طیف، چنین رهیافتی که به سوی مردم سالاری و حقوق بشر جهت داده شده است، منازعات قومی، دینی و طبقاتی بیشتر، «حکومت اقلیت متنفذ» (۷) تحت نام مردم سالاری و شرایط خشونت آمیز غیر قابل کنترلی را سبب می گردند. هم چنین از دیدگاه آنان

سیاست های پایدار در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و آموزشی، از قبیل اصلاحات ارضی، ترویج باسواد، توزیع مجدد ثروت، کاهش تضاد دینی و قومی و ایجاد رژیم و فرهنگی که بیشتر برابری طلب است و به عموم تخصیص دارد، برای پیشبرد حقوق بشر در کشورهای در حال توسعه، اهمیت حیاتی دارد. این طیف، استدلال می کنند که تاریخ حقوق بشر در کشورهای غربی و جاپان نشان می دهد که حمایت از حقوق مدنی و سیاسی، تنها می تواند همگام با چنین پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و آموزشی حرکت کند. از دیدگاه این گروه، امروزه کشورهای اروپای غربی، امریکا، کانادا، جاپان، استرالیا و نیوزیلند از استندرد بالای حقوق بشر برخوردارند. این استاندارد تنها پس از جنگ جهانی دوم و در واقع زمانی که رنگین پوستان و زنان

### از دیدگاه برخی کشورهای آسیایی، غرب حقوق بشر را صرفاً به عنوان بهانه ای جهت تحمیل «ارزش های غربی» به مستعمره های سابق خود به کار می گیرد. البته چنین اتهام هایی در کشورهای آسیایی، به ویژه در حکومت های خودکامه، که رهبران شان اندیشه حقوق بشر جهان شمول را به عنوان تهدیدی به انحصار قدرت خود می نگرند، بسیار متداول است. اما در آسیا بی اعتمادی به جهان شمول بودن [ارزش ها] صرفاً به حاکمان خودکامه محدود نمی شود. در بسیاری از کشورهای آسیایی، حمایت و پشتیبانی پیوسته باعث ایجاد تعهداتی می شود و شاید علت این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛

### این که مردم آسیا گاهی به دخالت در مسایل دیگران بی علاقه اند، به همین دلیل باشد. آن ها بر این باورند که انسان موظف به رسیده گی به خانواده، دوستان و هم میهنان خود است و ایده نیکوکاری به همه انسان های جهان، اندیشه بی بیش از اندازه انتزاعی است و حکایت از قسمی دخالت ناخوشایند امپریالیست های غربی و مبلغین مسیحی - که همیشه در پی آن ها روان بودند - دارد؛



# مردانه‌گی و عشق در «خواب بزرگ» و «خداحافظ زیبای من» ریموند چندلر

بخش دوم و پایانی



مارلو هرگز به‌طور خاص اشاره نمی‌کند که رابطه‌ی عشقی در زنده‌گی گذشته‌اش داشته، اگرچه بعضی از گفته‌ها و قیاس‌های پرشورش، دلیل کافی برای شک به این قضیه را فراهم می‌کند: «زن سرش را به عقب برد و قهقهه خنده سر داد. من فقط چهار زن را در زنده‌گی‌ام می‌شناختم که می‌توانستند این‌طوری بخندند و کماکان زیبا به نظر برسند، او یکی از آن چهار نفر بود.» (خداحافظ زیبای من، ص ۱۲۹) آن سه زن دیگر که مارلو به آن‌ها اشاره کرده بود، چه کسانی بودند؟ مطمئناً خواننده نمی‌داند که احساس مارلو نسبت به آن سه زن چه بوده و اصلاً اگر چیزی هم بین مارلو و آن‌ها اتفاق افتاده، این ارتباط چه‌گونه شکل گرفته است؟ در بعضی جاها «مارلو» حتا عشق را حقیر می‌شمارد. مثلاً: در صحنه‌ی در شهر Bay وقتی مارلو متوجه یک زوج جوان می‌شود، با کنایه در مورد آن‌ها می‌گوید: «دارند صورت همدیگر را می‌جویند و دندان‌های همدیگر را از گردن یکدیگر درمی‌آورند.» (ص ۲۴۳) در واقع هرگاه هرکدام از شخصیت‌های زن داستان سعی می‌کند مارلو را در یک وضعیت عاشقانه قرار بدهد، چندلر طوری وانمود می‌کند که مارلو، کارآگاهش به زور اغوا می‌شود. مثل این صحنه با خانم گریل: من هم دستش را فشار دادم. «ازت قرض گرفت؟» «شما کمی قدیمی هستید. مگر نه؟» نگاهی به دستش انداخت که من در دست گرفته بودم. «هنوز دارم کار می‌کنم و اسکاچ‌تان خیلی خوب است. مرا نیمه‌هشیار نگه می‌دارد، نه این‌که مجبور به مست بودن باشم.»



«بله» او دستش را از دست‌های من کشید و مالید. (ص ۱۳۴)

در این‌جا اعلام مارلو به این‌که او کماکان دارد وظیفه‌اش را انجام می‌دهد و اشاره او به نیمه‌مست بودنش، او را کاملاً ضعیف کرده و زیر سوال می‌برد. او عذرهای غیرقابل قبول می‌آورد و نقاب مردانه‌اش را می‌اندازد و نهایتاً تسلیم تمناهای خانم گریل می‌شود. در طول این صحنه، مارلو بیش‌تر شبیه دختر حساس جوانی است که برای اولین‌بار است که با پسری قرار می‌گذارد و اسیر چرب‌زبانی پسری مهاجم می‌شود.

در موارد دیگر مارلو اشاره می‌کند به عشق‌های تلخ و نافرجامی که فقط از تجربه شخصی به‌دست می‌آیند: «هوای مرطوب به سردی خاکسترهای عشق بود.» (ص ۲۵۵)

«من دخترهای ملایم و باحال، سنگدل و پُر از گناه را دوست دارم.» (ص ۱۹۶)

«تمام مردها مثل هم‌اند. همین‌طور تمام زن‌ها بعد از اولین قرار ملاقات.» (ص ۲۲۵)

«مردان مرده سنگین‌تر از قلب‌های شکسته‌اند.» (خواب بزرگ ص ۴۲)

آیا او حتماً در مورد سری خاکسترهای عشق چیزی می‌داند؟ آیا او هیچ‌وقت سنگینی قلب شکسته را حس

کرده است؟ اگر چنین است، بدخلقی مردانه مارلو بیش‌تر به صورت دیوار حمایت‌کننده‌ی عمل می‌کند که قلب او را از قضاوت یا همدلی خواننده محافظت می‌کند. شاید به نظر مارلو، عشق و ازدواج باعث افت وجه مردانه‌اش می‌شوند. آن‌ها موجب کاهش ارزش نرینه‌گی یک مرد می‌شوند. در خواب بزرگ مارلو چنین اظهارنظر می‌کند: «من ازدواج نکرده‌ام به خاطر این‌که همسران پولیس‌ها را دوست ندارم.» این‌که این اظهارنظر ارتباط خاصی با مارلو دارد (که واقعا پولیس نیست) مشخص نیست، اما می‌شود نتیجه‌گیری کرد که مارلو پولیس‌های متأهل را در زمره مردانی در نظر می‌گیرد که مردانه‌گی خود را قربانی زنده‌گی با زنان می‌کنند و کنترل کامل زنده‌گی خود را به دست آن‌ها می‌سپارند. به علاوه، بدگمانی مارلو نسبت به زوجی که در خداحافظ زیبای من دیدیم، اشاره به این موضوع دارد که او عشق را یک نوع وقت تلف کردن می‌داند. او کارهای مهم‌تری در زنده‌گی‌اش دارد که باید به آن‌ها بپردازد.

علاوه بر چهره گمراه‌کننده، مردانه‌گی مارلو راهی است که در آن چندلر روابط مارلو را با بعضی شخصیت‌های مردان می‌نویسد. به‌خصوص که مارلو در حضور مردان احساس اعتماد به نفس بیش‌تری می‌کند، تا در حضور زن‌ها. حتا موزمالوی که «دستی داشت که من می‌توانستم رویش بشینم» رقیبی برای کنایه‌های گزنده مارلو نبود. (خداحافظ زیبای من، ص ۵)

«خیلی خُب، داد زدم. با تو بالا می‌آیم. فقط مرا حمل نکن. بگذار خود راه بروم. حالم خوب است. من آدم بزرگ هستم. خودم می‌روم دست‌شویی و کارهایم را انجام می‌دهم. فقط رهایم کن، خودم می‌روم.» (ص ۷) مارلو نسبت به ملاقاتش با مالوی از درون هشیار است، اما ترسش را با رفتار خشن مردانه‌اش پنهان می‌کند. تا به حال، این نوع رفتار می‌بایست برای خواننده معمول آثار چندلر مألوف به نظر آید. مارلو هرگاه احساس خطر کند یا تزلزل نشان دهد، دیوار مستحکم مردانه‌اش را دور می‌اندازد. اگرچه چندلر آن را به همان حال رها نمی‌کند. خواننده باید همیشه آماده باشد و متوجه شخصیت‌هایی مثل رد نورگارد خداحافظ زیبای من باشد که تصور قبلی او را نسبت به وجه مردانه‌گی مارلو مورد پرسش قرار بدهد. «رد» به‌زودی یکی از شخصیت‌های پیچیده و مشکل‌ساز در رمان خواهد شد. در وهله اول، مارلو «رد» را طوری توصیف می‌کند که هیچ شخصیت دیگری را در رمان چنین توصیف نمی‌کند. در عوض، او دیگر به «رد» فکر نمی‌کند و در نتیجه، ما با جنبه‌ی از شخصیت مارلو آشنا می‌شویم که قبلاً ندیده بودیم: «او لبخندی آهسته و آرام زد، صدایش خیلی نرم و

«دست‌هایم را گرفت. دست‌هایم قوی، گرم و کمی لزج بود.» (ص ۲۵۷)

در جایی که در مورد «رد» صحبت می‌شود، حتا ساده‌ترین گفت‌وگوها به عملی عاشقانه تعبیر می‌شود. این سردرگمی جنسی و عشقی، نه توسط نویسنده روشن می‌شود و نه توسط شخصیت داستان. و خواننده را در وضعیتی رها می‌کند که هرگز مارلو را نمی‌تواند کاملاً بشناسد.

پس چرا چندلر این دیوار مردانه را دور شخصیت اصلی‌اش می‌چیند که بعد کم‌خطرترین شخصیت‌ها آن را فرو بریزند؟ آیا مارلو واقعا آدم محکمی است؟ یا او دارد تاوان زیادی می‌پردازد برای قلبی لطیف، قلبی که خودش را به خوبی به روش زنده‌گی مارلو وام نمی‌دهد؟ خیلی ساده‌تر، چرا ما هرگز نمی‌توانیم مارلو را بشناسیم؟ چندلر در تحقیق خود به بهترین شکل پاسخ این پرسش‌ها را می‌دهد: هنر ساده قتل. در این نوشته، نویسنده فرمول خلق یک داستان کارآگاهی کامل را نشان می‌دهد، که مهم‌ترین قسمت آن شخصیت‌پردازی کارآگاه است. درست مثل مارلو با فرمول کارآگاهی چندلر:

مردی کامل، عادی و غیرمعمول... من اهمیتی به زنده‌گی خصوصی‌اش نمی‌دهم؛ او نه اخته است و نه شهوانی. تصور می‌کنم ممکن است دوشی را اغوا کند و مطمئن هستم که دختر باکره را فاسد نمی‌کند. اگر او در یک مورد آدم شریفی باشد پس در همه امور شریف است. (ص ۵۹)

بنابراین وقتی خواننده درگیر جزئیات زنده‌گی خصوصی مارلو می‌شود، درباره گذشته عشقی و روابط او حیران می‌گردد. چندلر معتقد است مارلو را آن‌طور که هست بپذیریم؛ یک مرد شریف. آن‌چه در درون قلب اوست، اهمیتی ندارد. اگر او آدم محترمی است، پس حتماً آدم شریفی‌ست. در عوض چندلر باید از مارلو یک مرد ایده‌آل بسازد:

داستان در مورد ماجراجویی این مرد در جست‌وجوی حقیقت پنهان شده است. و آگاهی او شما را می‌ترساند. اما این آگاهی، خاص اوست. به خاطر این‌که این آگاهی به دنیایی تعلق دارد که او در آن زنده‌گی می‌کند. حقیقتاً همان‌طور که مارلو خودش هم می‌گوید: «این‌گونه نیست که من خودم خشن بودن را دوست



داشته باشم. این طوری است که وجودم با آن نهادینه شده» و به خاطر این، او می‌بایست به اندازه کافی مرد باشد که برای این شغل پا پیش بگذارد. (خداحافظ

زیبای من، ص ۱۹۵) چندلر در شخصیت‌پردازی مارلو، جنسیت را دوباره معنی نمی‌کند. او در واقع یک جنبه متفاوت از وجه مردانه مارلو را به ما معرفی می‌کند. او ما را با شخصیتی آشنا می‌کند که برایش وجه مردانه صرفاً موجود نیست، بلکه لازم است. این حالت به مارلو نوعی بی‌احساسی و خون‌سردی شدید مردانه می‌دهد که ما را از آن‌چه در درون او می‌گذرد، محروم می‌کند. به عنوان شخصیت اصلی رمان کارآگاهی، مارلو نمی‌تواند عاشق بشود یا بگرید، هرگز نمی‌تواند ماسک مردانه خود را در مقابل خواننده بردارد. بنابراین، وجه مردانه به عنوان نیروی پیش‌برنده در رمان‌های چندلر دیده می‌شود. این‌ها کارهایی هستند که مردها می‌توانند به سمت آن فرار کرده و تبدیل به مردانی محکم و استوار شوند که فقط در رویاهای‌شان می‌توانند ببینند. و البته این چهره، به زنان چهره‌ی سرد اما در عین حال جذاب از مردان ارایه می‌دهد که می‌خواهند آن را بهتر بشناسند.

«رد» به من تکیه داد به طوری که تنفس او گوشم را ققלק می‌داد.» (ص ۲۵۵)

گرفته شده از: مد و مه



کشمول  
احمد ولی مسعود:

# بحران کنونی را ساختار حقوقی نظام ایجاد کرده است

گفت‌وگوکننده: عرفان مومند

■ - سپاس آقای احمد ولی مسعود از این که فرصت این گفت‌وگو را برای ما فراهم کردید. می‌خواهم نخست نظر شما را درباره توافقات اخیر داشته باشم؟ پیش از انتخابات در وقت مبارزات انتخاباتی من به نامزدان محترم گفتم که انتخابات به خودی خود حلال همه مشکلات افغانستان نیست. ما یک کشوری هستیم که دموکراسی در آن نوپاست و انتخابات یک تجربه جدید برای ماست. یک جامعه ناهمگون و کثیرالاقومی هستیم؛ مُدل دموکراسی ما مُدل همخوان با روحیه افغانستان نیست. مشکلات بسیار داریم. بنابراین پیشنهاد کرده بودیم که در پهلوی انتخابات، ما باید روی یک مُدل سیاسی به توافق برسیم. این را قبلاً هم گفته بودیم که اگر بتوانیم سر یک مُدل سیاسی جدید به توافق برسیم، مطمئناً هم تنش‌های انتخاباتی را پایین می‌آورد و هم به آینده امیدوار می‌شویم و هم می‌توانیم از این پروسه، گذار موفقانه داشته باشیم.

گرچه آن زمان همه نامزدان محترم یک توافق‌نامه را امضا هم کردند؛ اما متأسفانه زیاد توجه به تطبیق آن نکردند. آن‌ها فکر می‌کردند که دموکراسی در این جامعه نهادینه شده و ما می‌توانیم از طریق انتخابات تمام سرنوشت این کشور را رقم بزنیم و ضرورت به کدام راه‌کار دیگری نیست.

بالاخره آمدیم در آستانه کمپاین‌ها و انتخابات، و متوجه شدیم که گپ ما راست بود. انتخابات صد مشکل در این کشور دارد و به خودی خود نمی‌تواند که حلال همه مشکلات باشد. پس یک بن‌بست سیاسی به وجود آمد و انتخابات به جای این که بتواند بن‌بست را بشکند، باعث ایجاد بن‌بست سیاسی شد. قبلاً هم گفته بودیم که این بن‌بستگی به دیدگاه خود ما دارد که آیا از انتخابات به حیث یک فرصت استفاده کنیم یا به حیث یک تهدید. اگر به حیث یک فرصت باشد، فرق می‌کند. این که انتخابات بتواند زمینه ایجاد یک دولت مستقل را فراهم آورد، یک فرصت است. همزمان این پروسه می‌تواند به یک تهدید تبدیل شود؛ همان طوری که حالا به بن‌بست رسیده و در واقع به یک تهدید تبدیل شده است. این بن‌بست از آن‌جا ناشی می‌شود که سیاسیون ما زیاد متوجه اهمیت مسأله نشدند.

حالا بن‌بست سیاسی به وجود آمد و ما از طریق تیم اجندای ملی، با نامزدان محترم، با سفارت‌های خارجی و نهادهای بین‌المللی هم دیدیم و برای‌شان گفتیم که فکر ما همین است که باید یک توافق روی یک مُدل سیاسی صورت گیرد. چرا که با توجه به تقلبات گسترده و سازمان‌یافته، پُر کردن صندوق‌های رأی و... از طریق این پروسه غیر شفاف، شما دیگر نمی‌توانید که موفق شوید. خوب است که روی این مسأله توافق کنیم که چطور می‌توانیم روی یک مُدل سیاسی تمرکز کنیم تا پروسه موفق شود. به همین نسبت، همین رفت و آمد و خیرخواهی خود را بین تیم‌ها شروع کردیم؛ با سفارت‌ها و جامعه جهانی که در قضیه افغانستان ذیدخل هستند، نشست‌هایی داشتیم. این گپ پیش رفت، تا جایی موفق هم بود. اما دیدیم که نامزدان محترم به فکر دیگری هستند و به او نسبت بود که گپ به بن‌بست سیاسی کشیده شد. تا این که جان‌کری وزیر خارجه آمریکا آمد تا بتواند این بن‌بست را بشکند.

■ - در توافقی که اخیراً میان نامزدان صورت گرفته، بحث ایجاد دولت وحدت ملی مطرح شده است. شما که ابتکار این طرح را داشتید و پیش از انتخابات با نامزدان انتخابات ریاست‌جمهوری نیز در یک کنفرانس بحث و گفت‌وگو کرده بودید؛ آیا این اصطلاح «دولت وحدت ملی» همان دولت وحدت ملی‌یی است که شما پیشنهاد کرده بودید، یا چیزی دیگری است؟

وقتی که جان کری آمد، بحث را در چارچوب دولت وحدت ملی مطرح کرد. ما بارها تأکید کردیم که دولت وحدت ملی باید ایجاد شود. در این رابطه کنفرانس‌ها و سیمینارهای زیادی را تدویر کردیم. اما دولت وحدت ملی، کدام تعریف خاص و مشخص ندارد. یعنی به این معنی نیست که دولت وحدت ملی یک مُدل خاص باشد، مثل نظام پارلمانی، صدارتی و ریاستی؛ بل که دولت وحدت ملی در کشورها زمانی ایجاد می‌شود که

کشور در حال بحران و در حال جنگ باشد. تضادهای قومی باشد؛ فساد کلان در دستگاه دولت باشد و به جامعه سرایت کرده باشد. به بحران‌ها مواجه باشد؛ مثلاً: بحران امنیت باشد، بحران مدیریت و بحران‌های متعدد دیگر. دولت وحدت ملی در شرایط گذار نیز مطرح می‌شود.

اکنون افغانستان در یک مرحله گذار قرار دارد و به خاطر عبور از این مرحله، دولت وحدت ملی باید ایجاد شود، این شرایطش است. اما کار و اهداف دولت وحدت ملی چیست، تا بتواند که بحران‌ها را مهار سازد و تمام نیروهای جناح‌ها بتوانند با سعی جمعی کشور را از یک حالت بحرانی به فردای با ثبات گذار بدهند. در واقع دولت وحدت ملی در چنین وضعیتی ایجاد می‌شود.

در دیگر کشورها که نظام‌های نسبتاً ثابت دارند، به‌خاطر جلوگیری از بحران تشکیل دولت وحدت ملی می‌دهند. رییس‌جمهور ملزم می‌شود که تمام نیروهای تأثیرگذار را جمع کند و فراخوان می‌دهد و آن‌ها را می‌آورد در چارچوب نظام تا بتواند به مشکل بپردازد. مثلاً در یونان وقتی که بحران اقتصادی ایجاد شد، همه نیروهای تأثیرگذار را آوردند و به بحران اقتصادی خود پرداختند. در افریقای جنوبی، با وجود این که نیلسن مندیلا آرای بسیار زیادی گرفت؛ اما چون مساله بحران نژادی بین سیاه و سفید بود؛ ماندیلا دولت وحدت ملی را ایجاد کرد و از این طریق، از بحران تصادم سیاه و سفید جلوگیری صورت گرفت.

در لبنان چون مذاهب مختلف وجود دارد، برای این که این مذاهب بین خود جنگ نکنند؛ دولت وحدت ملی را بر اساس توازن مذاهب ایجاد کردند. مثلاً رییس‌جمهور از کدام و نخست وزیر از کدام مذهب باشد. هر کدام مُدل‌های خاص دارد.

■ - در افغانستان بحران از قبل وجود داشته است. این بحران از کجا نشأت گرفت؟

بحران ناشی شد از تقلب سازمان‌یافته دستگاه حکومت. پس معنی‌اش این است که همین بحران را ساختار حقوقی نظام ایجاد کرد. نه تنها این بحران را، بلکه بحران‌های متعدد دیگری را. پس وقتی که بحران ایجاد شد، ریشه‌اش معلوم است که همان ساختار حقوقی نظام است. در این وقت عاجل گفتیم که بیا بین دولت وحدت ملی را ایجاد کنیم که هم انتخابات موفق شود و هم بتوانیم که پس از انتخابات به یک موفقیت به مشکلات و بحران‌های کشور بپردازیم. به همین نسبت بود که مقوله دولت وحدت ملی را معرفی کردیم.

می‌پردازیم به این که واقعاً چه گونه می‌تواند دولت وحدت ملی در افغانستان ایجاد شود. در این زمینه هرکس یک رویکرد دارد. مطمئناً که تیم تحول و تداوم به رهبری دکتر اشرف غنی احمدزی یک فکر دارد که نیازمندی‌های افغانستان چیست و چطور باید یک دولت وحدت ملی ایجاد شود. اما چیزی را که ما پیشنهاد می‌کنیم به اساس همان تحقیق پیگیری است که در این کشور داشته‌ایم. ما می‌گوییم چون بحران ناشی از ساختار حقوقی نظام بوده، پس دولت وحدت ملی نمی‌تواند در محور نظام موجود یا ساختار نظام موجود، ایجاد شود. چون خودش بحران ایجاد کرده؛ یعنی ما نمی‌توانیم که دولت وحدت ملی را در چارچوب نظام ریاستی ایجاد کنیم. به‌خاطر این که خودش منشأ و عامل بحران بوده است. برای این که در تشکیل دولت وحدت ملی موفق شویم، یگانه راهی که وجود دارد همین است که دولت وحدت ملی را با در نظر داشت تغییرات ساختاری ایجاد کنیم.

هر کس می‌خواهد که رییس‌جمهور شود؛ اما این بحران را چه گونه حل می‌کند، چرا همین قاعده باشد که یک کس در رأس باشد و همه قدرت به او منحصر باشد. رییس‌جمهور قدرت دارد، اما دیگر نهادسازی صورت نگرفته است. پس معنای این مقوله که ما در افغانستان داریم: «یا ارگ یا مرگ» یا تخت یا تابوت چیست؟ یعنی یا به ارگ می‌رسیم یا می‌مریم. حالا دیدگاه ما به ایجاد دولت وحدت ملی این باشد که همه ما برنده باشیم. کارت برنده برنده را استفاده کنیم. دیگر نباشد که به بازنده‌گی تو من برنده باشم. در افغانستان این کاربرد ندارد؛ چرا که ترکیب اجتماعی ما قسمی است که همه

باید برنده باشیم. همه‌گی حق خود را می‌خواهند و ما نمی‌توانیم حق دیگری را نادیده بگیریم.

پس باید ساختار قدرت طوری باشد که همه ما در چرخه تصمیم‌گیری خود را ببینیم. پس دولت وحدت ملی با تغییرات حقوقی در نظام می‌تواند ایجاد شود.

■ - آقای مسعود! در طرح دولت وحدت ملی جان‌کری، نظر شما گرفته شده است و یا خیر؛ چرا که برای نخستین بار طرح دولت وحدت ملی را شما پیشنهاد کردید. جایگاه شما در ایجاد دولت وحدت ملی چه خواهد بود؟

من برای نامزدان محترم از این طرح گفته بودم. تا هنگامی که جان‌کری نیامده بود، این طرح اهمیت نداشت؛ اما جان کری که آمد، این مسأله برای‌شان اهمیت پیدا کرد. من باور دارم که اگر یک‌بار این طرح را (نامزدان ریاست‌جمهوری) مرور و مطالعه می‌کردند و همین توافق ما را یک روحیه ملی می‌داد و آنگاه هیچ حاجت آنها (امریکایی‌ها) نبود. در قسمت سوال شما به گونه مشخص‌تر باید بگویم که در وقت کمپاین نامزدان ریاست‌جمهوری، همین‌جا امریکایی‌ها آمدند و برانیم گفتند که در طرح اجندای ملی شما، یک چیزی به نام دولت وحدت ملی دیدیم؛ می‌خواهیم بفهمیم که این مبحث چیست.

از همین‌جا همه گپ‌ها را کاپی کردند، نوشتند و در آخر گفتند که طرح خوبی است. آن‌ها رفتند و از طریق جان‌کری آمدند و خلاص.

ما می‌گوییم خیر باشد. حالا نظر من این است که حتماً سوال‌ها مطرح می‌شود که خوب حالا که نظام همین نظام است، تعدیل در قانون اساسی نیامده، پس این تغییرات چه گونه به میان آید؟ من بیشتر خدمت‌تان گفتم که چون بحران به‌خاطر ساختار حقوقی نظام در این‌جا ایجاد شد، باید این ساختار پیش از انتخابات تغییر کند، تا همه به توافق برسیم. پس ساختارهایی را که من در دولت وحدت ملی می‌بینم، شاید داکتر صاحب اشرف غنی با ساختارهای دیگری ببیند.

چون دولت توافقی است و رییس‌جمهور هم نیست؛ بحران آمده و بحران انتخاباتی است. پس به همین خاطر این بیشتر به توافق دو تیم در محور یک ساختار جدید می‌تواند شکل بگیرد. یعنی شما بعضی تغییرات را در همین ساختار به فکتور غیر رسمی می‌آورید. تا زمانی که لویه جرگه قانون اساسی بیاید و این را مسجل بسازد و رسمیت ببخشد.

کدام تغییرات ساختاری را باید بیاوریم:

۱- رییس‌جمهور و صدراعظم و نهادهای دیگر که ایجاد می‌شود، با تعریف و صلاحیت‌های مشخص ایجاد شود. یعنی رییس‌جمهور با این قدرتی که فعلاً دارد که تقریباً همه‌کاره کشور است، قطعاً نمی‌تواند که شما در چنین محوری، دولت وحدت ملی را ایجاد کنید؛ امکان ندارد. به او نسبت، باید ساختارهای داخل نظام به گونه غیر رسمی تغییر کند و دولت وحدت ملی ایجاد شود. یعنی در پهلوی رییس‌جمهور، یک نهاد به نام نهاد ریاست‌جمهوری ایجاد شود. تعدادی از رهبران دیگری را بیاوریم در این نهاد تا بتوانیم یک مدیریت جمعی را ایجاد نماییم. یعنی ما منیجیت شهروندان افغانستان ببینیم که فقط رییس‌جمهور نیست که تصمیم می‌گیرد. در پهلوی رییس‌جمهور رهبران ما و رهبران مردم است که به‌شکل جمعی تصمیم می‌گیرند. هم مدیریت جمعی ایجاد می‌شود، هم مشورت لازم صورت می‌گیرد، هم خود یک نهاد ریاست‌جمهوری را که در پهلوی رییس‌جمهور می‌بیند، در واقع شما یک مرجعیت اعتماد ملی را می‌بینید. مردم افغانستان اعتماد می‌کنند که بلی ما در چرخه تصمیم‌گیری استیم. پس اولین مولفه ایجاد دولت وحدت ملی، ایجاد اعتماد است. ایجاد اعتماد می‌تواند در وجود نهاد ریاست‌جمهوری در پهلوی رییس‌جمهور شکل گیرد و یک تعداد رهبران قابل قبول، تأثیرگذار و مطرح را شما می‌توانید در آن داشته باشید. مشکلات افغانستان زیاد است و الویت‌ها هم بی‌شمار. با ایجاد چنین نهادی می‌توانید از همین رهبران در حل مشکلات استفاده کنید. مثلاً شما اولویت امنیتی دارید؛ الویت اقتصادی دارید؛ الویت مبارزه با تروریسم و مواد مخدر دارید؛ پس یک رییس‌جمهور نمی‌تواند

که به تمام مشکلات رسیده‌گی کند. پس چه کار باید بکند؟ بلی، این رییس‌جمهور در کنار خود یک نهاد ریاست‌جمهوری دارد که رهبران سیاسی در آن حضور دارند؛ رییس‌جمهور می‌تواند که هر رهبر را موظف کند به‌خاطر رسیدگی به این طور یک اولویت. شما می‌توانید هم مشورت سیاسی بدهید و هم هر رهبر می‌تواند به رهبری رسیده‌گی کند و به یک اولویت دیگر.

به طور مثال، کابینه را می‌توان به کلی تخصصی ساخت. حالا شورای وزیران هم اجرایی استند و هم تصمیم‌های سیاسی را همراهی کرسی صاحب می‌گیرند. کابینه را می‌توان کلاً تخصصی ساخت و نخبه‌گان فکری و اندیشه‌یی را در آن گماشت. اینها تمام کارهای اجرایی‌یی را می‌کنند، اما نهاد ریاست‌جمهوری تصمیم‌گیری‌های سیاسی را می‌کند. هر کس در خود نهاد ریاست‌جمهوری می‌تواند که یک، دو یا سه اولویت کلان را سرپرستی کند و در پهلوی رییس‌جمهور به چالش‌ها و مشکلات رسیده‌گی کند. به‌خاطری که تنها رییس‌جمهور نمی‌تواند به همه اولویت‌ها همزمان رسیده‌گی کند.

شرایط افغانستان قسمی است که باید به تمام اولویت‌هایش همزمان رسیده‌گی شود. مشکلات ما زیاد است و همه مشکلات ما با هم پیوند دارد. مواد مخدر با تروریسم پیوند دارد؛ فساد به این‌ها و اقتصاد پیوند دارد. به همین نسبت است که یک نگاه کلی‌گرا باید داشته باشیم که به تمام مشکلات برسیم. این هم یکی از ساختارها می‌تواند باشد.

پایین‌تر از این، برای این که شورای وزیران را سرپرستی کند، شما یک کسی را به‌نام نخست‌وزیر بیاورید. تا زمانی که لویه‌جرگه قانون اساسی بیاید و این پست رسماً در قانون اساسی گنجانیده شود. اما نخست‌وزیر هم باید با تعریف مشخص و صلاحیت‌های مشخص باشد. در سطح ولایات، به شوراهای ولایتی صلاحیت‌های بیشتر بدهیم. چرا که در انتخابات شوراهای ولایتی شمار زیادی از مردم رفته و سهم گرفته‌اند. به شوراهای ولایتی در بخش امنیت، اقتصاد و در بعضی موارد دیگر صلاحیت داده شود. والی‌ها اکنون از جانب رییس‌جمهور فرستاده می‌شوند و هرکاری که دل‌شان می‌خواهد انجام می‌دهند. این کار نتیجه نداد. پس ما می‌توانیم به دو شکل والی را مقرر کنیم: یکی این که والی برود و شورای ولایتی یا آن را رد کند یا تأیید کند. و یا هم این که شورای ولایتی، والی را به رییس‌جمهور پیشنهاد کند و رییس‌جمهور یا رد یا تأیید کند. والی باید قدرت اجرایی‌یی زیاد نداشته باشد. فقط مشوره و نظارت کند از امور ولایت. پس با این گونه یک رابطه میان مرکز و ولایت هم ایجاد می‌شود. همین قسم شما می‌توانید هم در مرکز و هم از مرکز بیرون، تمرکززدایی کنید. و این تمرکززدایی باعث این می‌شود که دیگر نیروها باید بیایند و یک قوت ملی شکل بگیرد.

■ - تفاوت دولت وحدت ملی نسبت به ائتلافی و مشارکتی چیست؟

تفاوت دولت وحدت ملی نسبت به مشارکت و ائتلاف این است که دولت وحدت ملی، یک عملیه پیچیده است؛ یک تحمل بالای سیاسی می‌خواهد؛ مدیریت سیاسی بسیار قوی‌تر می‌خواهد و هجمنان دولت وحدت ملی در حوال یک عده و دیدگاه محوری می‌چرخد، در حالیکه ائتلاف تقسیم قدرت است، هر کس دیدگاه خود را دارد، سهم خواهی است؛ هر کس سهم خود را می‌خواهد.

دیگر این که به دولت وحدت ملی شما باید نیروهای بسیار مجرب را بیاورید؛ نخبه‌گان سیاسی - مدنی را بیاورید؛ مردمان اندیشه‌ورز را بیاورید، تا بتوانند این عملیه را پیش ببرند. چرا این‌جا نمی‌توانیم هرکس را بیاوریم تا یک عملیه پیچیده را که بخواهیم به ملت - دولت‌سازی برسیم؛ پیش ببرد. این تفاوت‌هایش است و تفاوت‌های دیگری را نیز دارد.

اما حالا این که هر دو کاندیدای محترم می‌توانند، با تفاهم در محور همین‌طور برنامه کلان، یک مدیریت کلان سیاسی را ایجاد کنند و افغانستان را از این مرحله بحرانی، به فردای باثبات گذار بدهند، به زمان نیاز دارد.





# مردم همچنان خواهان شفافیت بیشتر!



حلیمه حسینی

این روزها دوباره هیجانی وصف‌ناشدنی در میان مردم دیده می‌شود. شغف ناشی از همگرایی و همدلی نیم‌بند امروزی میان نامزدان انتخابات ریاست‌جمهوری، خون تازه‌یی به رگ‌های فعالیت‌های اجتماعی و جنب‌وجوش مردمی دوانده است. چرا که تا پیش از این، خطر دوباره قرار گرفتن افغانستان در معرض یک جنگ تمام‌عیار داخلی و هرج‌ومرجی که همه از آن بیزار و خسته‌اند، مردم را مأیوس و وحشت‌زده کرده بود.

آنچه افغانستانی‌ها در انتخاباتی که گذشت رقم زدند، نمونه کم‌نظیری از خواست و اراده مردمی برای تغییر و ایجاد تحول در راستای تحکیم دموکراسی و پایه‌های مردم‌سالاری بود. در ظرف چند هفته محدود، با وجود تهدیدهای امنیتی و جانی، دو بار به پای صندوق‌های رأی رفتن و با صبر و حوصله‌مندی در انتظار نتیجه ماندن، خود گواه رشد سیاسی مردمی‌ست که دیگر خواهان بازگشت به گذشته نیستند. اما بحث تقلب گسترده و تشنج و کشمکش‌هایی که بر سر این قابله صورت گرفت و فضا را تیره و تار کرد، مردم را تا اندازه زیادی نسبت به انتخابات بدبین ساخت؛ چنان‌که کم نبودند شهروندانی که گفتند، امروز نه تنها افتخار و غروری از رأی دادن خود نداریم، بلکه دیگر تا عمر داریم رأی نخواهیم داد، و دیدیم که رأی دادن ما فقط یک بازی بود و نتیجه را کسان دیگری خارج از دایره اراده مردم، با استفاده از اهرم‌ها و مکانیزم‌های دیگری از جمله تقلب و معامله‌گری، رقم خواهند زد!... و این احساس و این موج به وجود آمده، خطرناک‌ترین دستاوردی بود که کشمکش‌ها و جنجال‌های بعد از انتخابات دور دوم برای مردم ما داشت.

اما در این روزهای اخیر، با پا درمیانی و وساطت وزیر امور خارجه آمریکا و سازمان ملل، شاهد یک رخداد نسبتاً امیدبخش بودیم. در میان همه این تلخ‌کامی‌ها، دو نامزد یک سری توافقات را صورت دادند که مردم عوام در این گیرودار فقط توانستند لبخندی که داکتر اشرف‌غنی و داکتر عبدالله بر لب داشتند و دست‌هایی که در هم گره شد و به نشانه اتحاد و همدلی در کنار وزیر امور خارجه آمریکا و نماینده سازمان ملل بلند شد را ببینند و آن را تعبیر به خیر و نیکی کنند و امیدوار شوند که بالاخره فصل تیره‌گی روابط میان این دو ستاد گذشت و قرار است که رفتارها و راهکارهایی که بر اساس منافع ملی و جمعی ما است را روی دست بگیرند.

اما هر روز که از آن لبخندها و دست بالا بردن‌ها و عکس‌های یادگاری گرفتن‌ها می‌گذرد، میان توده‌های مردم پرسش‌های جدی‌یی مطرح می‌شود و گمانه‌زنی‌ها مجال رشد و گسترش می‌یابند. گمانه‌زنی‌ها و پیش‌دآوری‌هایی که بعضاً برخاسته از موضع‌گیری‌های هنوز نابه‌سامان هر دو ستاد در قبال این توافق و مکانیزم‌های عملی آن‌ها با وساطت سازمان ملل و

امریکاست، و هم‌چنین عدم دسترسی مردم به اطلاعاتی دقیق‌تر نسبت به جزئیات این توافق و مکانیزم‌هایی که قرار است آرامش و ثبات را به فضای سیاسی و اعتماد را به فضای انتخاباتی ما برگرداند، به این گمانه‌زنی‌ها و پیش‌دآوری‌ها و گاهی داستان‌های نه‌چندان به سود منافع ملی ما می‌انجامد که در مورد آن‌چه در پشت پرده این توافقات می‌گذرد، هر روز ساخته و پرداخته می‌شود و اذهان عامه را مغشوش کرده و بازم می‌توان تلاش برای ناکام شدن این توافق و بسته شدن این روزنه امید را در نگرش و عمل‌کرد حلقات مشخصی که همواره با منافع ملی شهروندان ما و تحقق آن دشمنی داشته‌اند، به‌وضوح مشاهده کرد.

به نظر می‌رسد بحث تشکیل دولت وحدت ملی که این بار از تریبون آمریکا و سازمان ملل متحد و جامعه جهانی بیرون آمده و به عنوان یک راهکار و گزینه‌یی معقول و به‌صلاح برای فردای بعد از اعلام نتیجه نهایی انتخابات، روی میز کار و گفت‌وگو قرار گرفته است، بحثی‌ست که خیلی پیشتر از این‌ها نخبه‌گان سیاسی افغانستان در مورد آن نشست‌ها داشته‌اند و گفت‌وگو‌هایی صورت داده‌اند. طرح ایجاد دولت وحدت ملی در شرایط کنونی بدون شک طرحی کارآمد و قابل بحث است؛ اما باید در نظر داشت که هرچه این طرح با پیشینه بومی‌تر و مکانیزم‌های بومی‌گرایانه بیشتری اجرا شود، شانس موفقیت آن بیشتر خواهد بود.

طرح اجندای ملی که دورنمای آن ایجاد دولت وحدت ملی بوده است، امروز بیشتر از هر زمان دیگر قدرتمند و دوراندیشانه رخ نموده است و می‌توان از آن سود جست. نامزدان محترم هم باید تلاش کنند که تا اعلام نتیجه نهایی، هر روز و با گذاردن هر قدم، به مردم و رسانه‌ها در مورد مکانیزم‌های توافق‌شده و هم‌چنین مسیری که برای نجات افغانستان در پیش گرفته‌اند، معلومات کافی ارایه دهند تا این سوء تفاهم در میان افکار عمومی برطرف شود که بحث از تشکیل دولت وحدت ملی به معنای پوشاندن لباسی برازنده به تن معامله‌گری است. بلکه باید تشکیل دولت وحدت ملی و امکان اجرای آن حتا اگر نیازمند آوردن تعدیلاتی در قانون اساسی افغانستان باشد، به صورت جدی‌تر مورد تجزیه و تحلیل و کارشناسی قرار گیرد و مکانیزم اجرایی شدن و عملی شدن آن در فضای سیاسی افغانستان، مورد بحث و تبادل نظر قرار بگیرد. چرا که امروز افغانستان نمی‌تواند با سیاست حذف دیگری، بُرد سیاسی را از آن خود کند و بُرد با کسانی خواهد بود که جدای از اندیشیدن به تقسیم قدرت و چوکی‌ها به شکل سنتی و نابه‌هنجار آن، به نوعی از حکومت و نظام فکر کنند که در نهایت به مشارکت حقیقی همه‌گان در سیاست‌گذاری و توزیع قدرت سیاسی در امر حکومت‌داری بیانجامد. دولت وحدت ملی بدون شک دورنمایی از این دست را باید دنبال کند.

## مخالف نظام پارلمانی...

از حضور خارجی‌ها در پروسه تفتیش و شمارش آرا جداً نگران است و از آن استقبال نکرده؛ اما براساس ناگزیری حضور آن‌ها را پذیرفته است.

آقای کرزی که به درخواست سازمان ملل متحد دورهٔ مأموریتش تا چندی دیگر تمدید شده

## توافق اخیر افغانستان...

امریکا گفت، این اقدام کشور را از لبه پرتگاه نجات داده و اجرای قانون و مشروعیت دولت را به روال عادی بازگردانده است.

وی با توجه به این توافق با عبدالله عبدالله، درباره یک دولت متحد ملی گفت: اتفاق‌های روزهای اخیر نشان دهنده تعهد ما نسبت به جامعه‌گرایی است.

اشرف غنی احمدزی افزود: خسارات ما از سال ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۱ میلادی برابر با ۲۴۰ میلیارد دلار در بخش تاسیسات زیربنایی و از دست دادن فرصت‌ها بوده است. تلفات ما در بخش ظرفیت‌ها و توانایی‌های انسانی قابل محاسبه نیست. بنابراین می‌خواهیم بگوییم که ما را در آرامش و صلح بگذارید. ملت ما خواستار نظم و روال عادی زنده‌گی است. می‌خواهیم هر روز از خواب بیدار شده و بدون محافظ وارد خیابان شویم. نمی‌خواهیم سوار بر موتورهایی ضد گلوله شویم. می‌خواهیم با فرزندان و نوه‌هایمان به گردش برویم. می‌خواهیم به جای سربازان، گردشگران به کشور ما بیایند. به طور میانگین هر ۴۰ سال سیستم را به خاطر ناکامی نخبگان سیاسی برای هدایت کشورمان دگرگون کرده‌ایم و حتی یک ساختمان هم از

## ۹۰ کشته و ده‌ها زخمی...

این حمله را به عهده نگرفته است، اما معاون فرمانده پولیس ولایت پکتیکا این انفجار را کار «دشمنان افغانستان» عنوان کرد که همواره مردم ملکی افغانستان را در غم می‌نشانند.

عبدالرحیم‌زی افزود که این انفجار از سوی کسانی صورت می‌گیرد که در آن طرف مرز آموزش می‌بینند و حملات خود را سازمان دهی می‌کنند. او افزود: «حتماً طالبان و باداران‌شان در این حمله دست دارند».

این مقام محلی افزود که در محل حادثه جز افراد ملکی هیچ مقام دولتی حضور نداشت و صرفاً دو مأمور پولیس در آنجا بودند که این موتر بمب را شناسایی کرده بودند.

همه زخمیان این حادثه به شفاخانه انتقال داده اند. وزارت دفاع افغانستان گفته است که اردوی این کشور آمبولانس و هلیکوپتر برای انتقال زخمیان به شفاخانه ولایتی فراهم ساخته اند.

## دعوت به جنگ در دیوارهای هرات

نگران کننده

در برخی دیوارهای هرات و کابل تصاویری نقاشی شده که مردم را تشویق می‌کنند در برابر

نیروهای خارجی بجنگند

دیوار نویسی در افغانستان یک کاری تازه است در کابل و شماری از ولایات افراد خاصی به دیوار نویسی رو آورده اند.

در کابل اما پیام‌های که روی دیوار نوشته شده، بیشتر هدف محتوایی آن صلح و همدلی است. شماری از ساکنان شهر هرات می‌گویند، پولیس باید جلو نشر پیام‌های که مردم را به خشونت و جنگ تشویق می‌کند بگیرد.

آنها محتوای پیام‌های که روی دیوارهای شهر نوشته شده را خشونت آمیز و تحریک کننده خوانده اند.

شماری از باشندگان شهر هرات رسانه‌ها گفتند که گروه‌های (منفعت طلب) اقدام به انتشار پیام‌های که روی دیوار می‌کنند که مردم را تشویق به جنگ می‌کنند.

شماری از باشندگان می‌گویند که بعضی‌ها به منظور دامن زدن به اختلافات میان هواداران نامزدان انتخابات ریاست جمهوری اقدام به دیوار نویسی کرده اند.

است، گفته که روابطش با خارجی‌ها و به ویژه امریکایی‌ها، پس از حمله آن‌ها بر غیرنظامیان در سال ۲۰۰۷ در ولسوالی شیندند، تیره شده است. آقای کرزی بار دیگر گفته که مخالف امضای قرارداد امنیتی با ایالات متحدهٔ امریکاست و تا هنگامی که امریکا با طالبان صلح نکند، دشمنان افغانستان از این پیمان به عنوان یک حربه علیه نظام استفاده خواهند کرد.

دهه ۱۸۸۰ میلادی نداریم.

وی ادامه داد: افغانستان با عراق قابل مقایسه نیست چرا که در بغداد سیاستمداران سنی، شیعه و کرد در رسیدن به یک توافق سیاسی برای حفظ و یا جایگزینی نوری مالکی، نخست وزیر عراق ناکام مانده‌اند. در همین حال گروه تروریستی داعش ارتش عراق را متاثر کرده و کنترل بخش‌های زیادی از عراق را به دست گرفته است. من مالکی نیستم و افغانستان نیز عراق نیست.

احمدزی اعلام کرد که وی دیروز در خانه‌اش میزبان عبدالله بود تا به جزئیات چارچوب دولتی متشکل از هر دو گروه و تمام جامعه افغانستان بپردازند.

وی درخصوص توافق نظامی دو جانبه با امریکا نیز گفت: من با دقت متن این توافق نامه را مطالعه کرده و آماده امضای آن هستم.

می‌توانم به شما بگویم که اگر پیروز شوم، در هفته نخست فعالیتیم به عنوان رییس جمهور این توافق نامه امنیتی دو جانبه را امضا می‌کنم، این مساله برای من بسیار مهم است.

آقای غنی گفت: یکی از برنامه‌های ما برای پنج سال آتی مالیات بردرآمد ملی و نرخ رشد است چرا که یک کشور فقیر یک کشور وابسته است. ما چنین وابستگی‌یی نمی‌خواهیم.

این انفجار در منطقه‌یی صورت گرفت که از مرز وزیرستان شمالی پاکستان فاصله زیادی ندارد، جایی که نیروهای پاکستان عملیاتی را علیه شورشیان و پناهگاه‌های شان شروع کرده اند. این نگرانی وجود دارد که با شروع این عملیات، شورشیان از مرز گذشته و در مناطق شرقی افغانستان جابجا شوند.

محمد رضا خروتی، ولسوال ارگون گفت که انفجار به حدی قوی بود که چندین دکان را تخریب کرده و تعداد زیادی از مردم زیر آوار شده اند. او گفت که شمار کشته‌ها و زخمی‌ها ممکن است افزایش یابد.

این حادثه خونین که مصادف بود با روز ۱۵ ماه رمضان، با واکنش‌های تند شهروندان کشور مواجه شده است.

ریاست‌جمهوری نیز این حمله را محکوم کرده و آن را عملی وحشیانه خوانده است. رییس‌جمهور کرزی در اعلامیه‌یی، این عمل را نابخشودنی و جنایت بزرگ خوانده است.



# Mandegar

## وزارت صحت عامه:

### بازمانده‌گی رشد در کودکان ۲۰ درصد کاهش یافته است



وزارت صحت عامه با همکاری مالی و تخنیکي یونیسیف ارایه شد.

این سروی از ۱۸۳۶۰ خانواده در ۳۴ ولایت در رابطه به وضعیت تغذیه در کودکان، دختران نو جوان و زنان در افغانستان صورت گرفته است.

داکتر ثریا دلیل دیروز هنگام ارایه این گزارش از بهبود وضعیت تغذیه نسبت به سال‌های گذشته در افغانستان خبر داد و گفت، سوی تغذیه مزمن یا قد کوتاهی نزد کودکان از ۶۰.۵ درصد به ۴۰.۹ درصد کاهش یافته است.

به گفته بانو دلیل، تغذیه کودکان زیر سن ۵ سال با شیر مادر باعث کاهش مرگ نوزادان شده و تغذیه شش ماه اول دوره حیات با شیر مادر، نوزاد را از مبتلا شدن به بیماری‌های دوره طفولیت جلوگیری می‌کند.

پیش از این، آمارهای سازمان ملل نشان می‌داد که ۵۵ درصد کودکان افغانستان از کوتاهی قد که از عوارض کم بود، غذا است، رنج می‌برند.

هم‌چنین آمارهای سازمان ملل نشان می‌دهد که سوی تغذیه میان کودکان افغانستان از سال ۲۰۱۲ به این سو بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته و داکتران بی‌ثباتی و خشونت ناشی از اشغال نظامی امریکا را دلایل اصلی آن می‌دانند.

وزیر صحت عامه با اعلام اینکه وضعیت تغذیه نسبت به سال‌های گذشته در افغانستان بهبود یافته است می‌گوید، میزان قد کوتاهی در کودکان ۲۰ درصد کاهش یافته است.

ثریا دلیل، وزیر صحت عامه در کنفرانسی با موضوع «ارایه نتایج سروی ملی تغذیه سال ۱۳۹۲» اعلام کرد که مشکل قد کوتاهی بین کودکان ۲۰ درصد کاهش یافته است.

اولین گزارش سروی ملی تغذیه سال ۲۰۱۳ میلادی از سوی

### امضای تفاهم‌نامه ۱۰ میلیون یورویی با دولت آلمان



را در برگرفته و هزینه آن به ارزش ۱۰ میلیون یورو می‌باشد که توسط اداره انکشاف بین المللی آلمان (GIZ) تمویل می‌گردد.

در همین حال، مارتین ایگر سفیر آلمان حین امضای این تفاهم‌نامه گفت: «هدف از تطبیق این پروژه این است که کسانی که از این مکاتب فارغ شوند؛ فراتر از مرزهای افغانستان باشند».

آقای ایگر با ویژه خواندن این پروژه بر تداوم کمک‌های کشور آلمان در امر بازسازی افغانستان به خصوص در بخش معارف تاکید نمود.

دولت آلمان از ده سال ۲۰۰۲ میلادی بدین سو تاکنون بیش از ۲۰۰ میلیون یورو در بخش های مختلف معارف کمک نموده است.

این کمک‌ها بیشتر در شمال شرق متمرکز بوده و شامل پروژه های زیر بنایی، ساخت و اعمار مکاتب و دارالمعلمین ها و ارتقای ظرفیت‌های آموزشی بوده است.

تفاهم‌نامه ارتقای کیفیت و استانداردهای آموزشی به ارزش ۱۰ میلیون یورو میان وزارت معارف و اداره انکشاف بین المللی آلمان به امضا رسید.

هدف از امضای این تفاهم‌نامه که توسط وزیر معارف کشور و سفیر آلمان در کابل به امضا رسید بالا بردن ظرفیت درسی و سطح آموزشی است.

فاروق وردک وزیر معارف حین امضای این توافق‌نامه گفت: «هدف از امضای این تفاهم‌نامه ارتقای کیفیت و استانداردهای تعلیمی لیسه‌های آلمانی، عایشه درانی و جمهورییت می‌باشد که در نظر است از لحاظ سویه درسی و شیوه‌های تدریسی در سطح افغانستان و منطقه به مکاتب نمونه مبدل گردد».

آقای وردک همچنان گفت که با تطبیق این پروژه، علاوه بر فراهم شدن زمینه فراگیری آموزش با کیفیت، زمینه‌های رقابت سالم و آزاد میان تمامی شاگردان مکاتب کشور به وجود می‌آید.

به گفته وزیر معارف، بر مبنای معیارهای تعیین شده، شاگردان ممتاز صنوف هفت ولایت و صنوف چهارم شهر کابل خواهند توانست برای ادامه تحصیل شان به این مکاتب معرفی شوند.

وزیر معارف افزود: «نصاب تعلیمی و سیستم امتحانات و ارزیابی شاگردان در این مکاتب بر اساس نصاب ملی و بین المللی ارتقا یافته و به مضامین ساینس و انجینری با در نظر داشت اضافه نمودن زمان درسی توجه صورت می‌گیرد».

آقای وردک همچنین خاطرنشان کرد که در این مکاتب، استادانی که آموزش های مسلکی و تخصصی را با معیارهای جهانی آموزش دیده اند؛ استخدام خواهند شد.

وزیر معارف بیان داشت که مرحله اول این پروژه شش سال

## چیزی فراتر از قانون

نثار احمد فیضی غوریانی - عضو مجلس نماینده‌گان



این معناست که اعضای شورای ملی نیز مثل جامعه متکثر اند.

دوم این‌که، در مورد برخی مسایل مطروحه در طرح قانون مصونیت و حقوق اعضای شورای ملی، سوء تفاهم‌هایی رخ داده و در بحث‌های رسانه‌یی گاه مسایل به صورت دقیق کالبدشکافی نشده است.

مثلاً داشتن پاسپورت، حق شهروندی افراد است و اعضای شورای ملی نیز پس از پایان دوره کاری شان می‌توانند چنین حقی داشته باشند، حتا اگر چنین پاسپورتی با ویژه‌گی سیاسی باشد. یا این‌که اعضای شورای ملی می‌توانند برای خود محافظ استخدام کنند اما به این شرط که مصارف و هزینه‌های آن را خود افراد بپردازند و نه این‌که از بودجه دولت تأمین شود.

داشتن معاش پس از دوره کاری برای اعضای شورای ملی، آن‌گونه که در قانون ذکر شده، کاملاً غیرعملی و حتا غیرقابل طرح است. چنین موردی نباید در طرح قانون وارد می‌شود. اگر نویسندگان طرح قانون مصونیت و حقوق اعضای شورای ملی می‌خواستند مصونیت مالی برای اعضای بازنشسته در نظر گیرند، می‌شد که به شکل حقوق تقاعدی در نظر گرفته می‌شد، آن‌هم به این شرط که اگر عضو شورای ملی وارد کار دولتی شود، حقوق بازنشسته‌گی‌اش پرداخت نشود.

به هر حال، این قانون با واکنش‌های زیادی روبه‌رو شده و در حال حاضر سنای کشور نیز آن را تصویب نکرده است. اما چیزی را که می‌خواستم در این نوشته بر آن تأکید کنم، رسانه‌یی شدن برخی مسایل است که به سادگی به بحث‌های جنجالی تبدیل می‌شود. راه‌اندازی چنین سروصداهایی بدون آن‌که به صحت و سقم ماجرا توجه داشته باشد و یا در پی یافتن حقیقت مسأله باشد، جوآفرینی می‌کند. چنین روحیه‌یی را این روزها پس از توافق‌های به‌وجود آمده میان دو نامزد انتخابات در مورد پایان دادن به بن‌بست انتخاباتی، از سوی برخی سخنگویان و اعضای ستادهای آن‌ها می‌توان شاهد بود. نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری در حالی که به رفع مشکلات‌شان پرداخته‌اند، برخی سخنگویان‌شان در میزگردهای رسانه‌یی فضایی ایجاد می‌کنند که به سادگی می‌تواند زمینه‌ساز سوء تفاهم و یا نگرانی در میان شهروندان کشور شود.

تصویب قانون مصونیت و حقوق اعضای شورای ملی از سوی مجلس نماینده‌گان، خشم بسیاری را برانگیخته و تعبیرهای زیادی را دامن زده است. عده‌یی می‌گویند در شرایطی که افغانستان در لبه بحران قرار دارد و تهدیدهای زیادی متوجه ثبات و امنیت کشور است، اعضای شورای ملی بی‌توجه به این وضعیت حساس، نگران آینده خود و در پی گرفتن امتیازهای شخصی هستند. من به عنوان عضو مجلس نماینده‌گان، جزو آن دسته هستم که مخالفت خود با تصویب این قانون را در کمیسیون‌ها و نشست علنی ابراز کردند.

مجلس نماینده‌گان، نهاد قانون‌گذار است و به صورت مشخص تصویب قوانین و نظارت بر اجرای آن‌ها از وظایف اصلی آن به شمار می‌رود. جامعه برای این‌که به سامان شود، به قانون نیاز دارد. قانون هدایت‌کننده نهادها برای بیرون شدن از معضلات و چالش‌هاست. قوانین زمانی ارزش دارند که ضمن پاسخ گفتن به مطالبات جامعه، اجرایی کردن آن‌ها دست‌وپاگیر نباشد. یعنی قوانین برای هر جامعه‌یی پاسخ‌گوی شرایط خاص آن جامعه است.

برای کشورهای فقیر و در حال جنگ، قوانینی باید تدوین شوند که پاسخ‌گوی نابه‌سامانی‌های جنگ و پیامدهای حاصل از آن باشند. در یک جامعه پیشرفته سرمایه‌داری نیز، قوانینی نیاز است که از انباشت بیش از اندازه سرمایه بکاهد و عدالت اقتصادی را تأمین کند.

قوانین یک جامعه گرفتار جنگ و بحران، با قوانین یک کشور عاری از بحران تفاوت دارد و تفاوت آن‌ها به همان شرایطی برمی‌گردد که این کشورها در بستر آن‌ها غنوده‌اند. قوانین برای شکستن بن‌بست‌ها و حل مشکلات ساخته می‌شوند و به همین علت، اسیر زمان و مکان‌اند. هیچ قانونی قابل اجرا نیست مگر این‌که مطابق به ویژه‌گی‌ها و شرایط یک کشور خاص باشد. حال، قانون مصونیت و حقوق اعضای شورای ملی، به کدام‌یک از مشکلات جدی جامعه پاسخ‌گوست؟ و یا در نبود چنین قانونی، چه صدماتی را جامعه می‌توانست و یا می‌تواند متحمل شود؟

نقش کاربردی قانون ایجاب می‌کند که چنین پرسش‌هایی مطرح شوند و قانون‌گذاران با عنایت به چنین پرسش‌هایی‌ست که می‌توانند قوانین را مفید و یا غیرمفید ارزیابی کنند.

شورای ملی، نهاد قانون‌گذار است و اگر از سوی این نهاد قوانینی تصویب شود که به رفع معضلات جامعه کمک نمی‌کند، پس نهاد شورای ملی وظایف خود را به درستی تشخیص نکرده است. اما چند مورد مهم وجود دارند که هنگام قضاوت در مورد کارکرد اعضای شورای ملی، باید به آن‌ها توجه کرد.

نخست این‌که، همه اعضای شورای ملی یک‌سان و یک‌روش نیستند. در مسایل مختلف، دیدگاه‌های متفاوت را می‌توان شاهد بود و اختلاف نظرها به

### روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر
شش ماهه - ۲۰۰ دالر
نه ماهه - ۳۰۰ دالر
یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار

Mandegar Daily newspaper

نارسیده به منزل یا دفاتر

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰